

# نقد تطبیقی رمان های تاریخی جرجی زیدان و رمان های تاریخی دوره مشروطه ایران

استاد راهنما:

دکتر عبدالحسین فرزاد

استاد مشاور:

دکتر ابوالقاسم رادفر

نگارنده:

سمیه شیخ زاده

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.  
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.

## فهرست مطالب

چکیده ..... ۱

### فصل اول: درآمدی بر ادبیات تطبیقی

- ۵ ..... نقد تطبیقی
- ۶ ..... ادبیات تطبیقی
- ۷ ..... تعریف ادبیات تطبیقی
- ۸ ..... اهداف ادبیات تطبیقی
- ۱۰ ..... اهمیت ادبیات تطبیقی
- ۱۱ ..... قلمرو ادبیات تطبیقی
- ۱۳ ..... دو گرایش اصلی در ادبیات تطبیقی
- ۱۴ ..... شرایط ادبیات تطبیقی

### فصل دوم: پیدایش ادبیات تطبیقی

- ۱۶ ..... عوامل پیدایش ادبیات تطبیقی
- ۱۷ ..... تاریخچه ادبیات تطبیقی در اروپا
- ۱۹ ..... ادبیات تطبیقی در سرزمین های عرب
- ۲۰ ..... ادبیات تطبیقی در ایران
- ۲۳ ..... پیوندهای نزدیک ادبیات فارسی و عربی
- ۲۴ ..... تأثیر زبان و ادبیات فارسی بر زبان و ادبیات عرب
- ۲۵ ..... تأثیر زبان و ادبیات عربی بر زبان و ادبیات فارسی
- ۲۶ ..... اهمیت ادبیات تطبیقی برای مسلمانان

### فصل سوم: ادبیات داستانی

- ۲۸ ..... تاریخچه داستان
- ۲۸ ..... ادبیات داستانی
- ۲۹ ..... نقش ادبیات داستانی در زندگی مردم
- ۳۲ ..... زمینه های ظهور رمان

۳۳	تعریف رمان
۳۴	تقسیم بندی رمان
۳۵	پیدایش رمان در اروپا
۳۹	اوضاع سیاسی - اجتماعی ایران در قرن بیستم
۴۰	عوامل مؤثر بر تاریخ ادبیات نوین ایران
۴۱	ادبیات و نثر دوره مشروطه
۴۳	علل ظهور رمان در ایران
۴۴	پیدایش رمان در ایران

### فصل چهارم: رمان تاریخی

۴۹	رمان تاریخی
۵۱	تقسیم بندی رمان های تاریخی
۵۲	ضرورت مطالعه رمان تاریخی
۵۲	پیشینه رمان تاریخی در اروپا
۵۳	عوامل مؤثر در پیدایش رمان تاریخی
۵۵	نویسندگان رمان تاریخی در اروپا
۵۷	تأثیر رمان تاریخی اروپا بر ادبیات ایران
۵۸	زمینه های پیدایش رمان تاریخی در ایران
۵۹	تأثیر دوما و زیدان بر رمان تاریخی فارسی
۶۱	پیدایش رمان تاریخی در ایران

### فصل پنجم: رمان تاریخی در ایران

۶۷	پیشگامان رمان تاریخی در ایران
۶۸	محمد باقر خسروی
۷۱	محمد حسن بدیع
۷۲	موسی نثری همدانی
۷۴	عبدالحسین صنعتی زاده کرمانی
۷۶	محمد حسین رکن زاده آدمیت
۷۸	حیدر علی کمالی

۷۹	..... زین العابدین مؤتمن
۸۱	..... تحلیل چهار رمان تاریخی فارسی
۸۱	..... شمس و طغرا
۱۰۲	..... مظالم ترکان خاتون
۱۱۸	..... آشیانه عقاب
۱۴۱	..... دلیران تنگستانی

### فصل ششم: جایگاه رمان تاریخی در ادبیات عرب

۱۵۸	..... سیری در اوضاع سیاسی - اجتماعی اعراب در قرون اخیر
۱۶۳	..... تاریخچه ادبیات داستانی در کشورهای عرب
۱۶۷	..... رمان نویسان مشهور عرب در قرون ۱۹ و ۲۰
۱۶۷	..... سلیم بستانی
۱۶۸	..... محمد المویلیحی
۱۶۸	..... محمد لطفی المنفلوطی
۱۶۹	..... فرح انطون
۱۷۰	..... یعقوب صروف
۱۷۰	..... نجیب محفوظ
۱۷۲	..... جایگاه رمان تاریخی در ادبیات عرب
۱۷۴	..... جرجی زیدان، پدر رمان تاریخی عرب
۱۷۹	..... سبک جرجی زیدان
۱۷۹	..... آثار جرجی زیدان
۱۸۲	..... تحلیل چهار رمان تاریخی نوشته جرجی زیدان
۱۸۲	..... عذراء قریش
۲۰۲	..... فاجعه کربلا
۲۱۸	..... ابومسلم خراسانی
۲۳۴	..... عباسه، خواهر هارون الرشید

فصل هفتم: نقد تطبیقی رمان های تاریخی  
جرجی زیدان و رمان های تاریخی فارسی

۲۴۹	.....	زمان و مکان
۲۴۹	.....	درونمایه
۲۵۱	.....	شخصیت پردازی
۲۵۳	.....	توصیف
۲۵۶	.....	زاویه دید
۲۵۶	.....	لحن
۲۵۸	.....	چند نکته
۲۶۰	.....	کلام آخر
۲۶۸	.....	پی نوشت ها
۲۷۶	.....	کتابنامه

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.  
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.

## چکیده

جهان امروز، جهان ارتباط است؛ دنیایی با مرزهای نامرئی، به گستره همه فرهنگ‌ها و خرده فرهنگ‌ها. امروزه دیگر با توسعه صنعت و برقراری روابط بین‌المللی، تبادلات فرهنگی خواه ناخواه میان کشورهای مختلف صورت می‌پذیرد و مرزهای جغرافیایی نمی‌تواند مانعی برای ایجاد یک تمدن یکپارچه و جهانی به شمار آید.

در این میان، ادبیات ابزار مناسبی است که نقش مؤثری در استحکام روابط فرهنگی میان کشورهای جهان برعهده دارد. بر همین اساس، در قرن نوزدهم میلادی، ادبیات جهانی به شکل جدی تری مورد توجه محققان قرار گرفت و با پیدایش ادبیات تطبیقی، این روند رو به تکامل نهاد.

اگرچه شناخت فرهنگ و تمدن بومی دارای ارزشی انکارناپذیر است، ولی در جهان امروز که مباحثی همچون گفت و گوی تمدن‌ها بر فضای فرهنگی جهان حاکم شده است، چاره‌ای جز آشنایی با فرهنگ دیگر ملل وجود ندارد. با توجه به این امر، بسیاری از پژوهشگران، درک ارزش ادب ملی را تنها در کنار شناخت ادبیات جهانی سودمند می‌دانند.

پژوهش حاضر با عنوان نقد تطبیقی رمان‌های تاریخی جرجی زیدان و رمان‌های تاریخی دوره مشروطه ایران، کوشیده است که در این زمینه گام کوچکی بردارد. قرابت فرهنگی و اشتراکات دینی میان ایرانیان و اعراب، ما را بر آن داشت که به تطبیقی در این حوزه بپردازیم.

از آنجا که آثار جرجی زیدان در کنار آثار الکساندر دوما، نقش مؤثری در پیدایش رمان فارسی داشته است، آثار این نویسنده به عنوان موضوع تحقیق انتخاب گردید. از این رو، بررسی آثار او و مقایسه تطبیقی آنها با نخستین رمان های تاریخی فارسی در دستور کار قرار گرفت.

این رساله، شامل هفت فصل می باشد. در فصل اول، سعی بر آن بوده است که مفاهیم کلیدی اثر، یعنی نقد تطبیقی و ادبیات تطبیقی مورد بررسی قرار گیرد. در فصل دوم به پیشینه ادبیات تطبیقی و چگونگی شکل گیری آن در کشورهای مختلف پرداخته شده و همچنین بر ضرورت این گونه مطالعات تأکید گردیده است.

فصل سوم به ادبیات داستانی و تأثیر آن بر زندگی انسان اختصاص دارد. تأثیر رمان اروپا بر شکل گیری رمان فارسی نیز در این مبحث گنجانده شده است. رمان تاریخی به عنوان یکی از انواع رمان، در فصل چهارم بررسی می شود و از مباحثی همچون تاریخچه رمان تاریخی و عوامل مؤثر در پیدایش آن سخن به میان می آید.

در فصل پنجم، تعدادی از رمان نویسان تاریخی معرفی می شوند و چهار رمان برگزیده از نظر ساختار و عناصر داستان مورد تحلیل و بررسی قرار می گیرد. در این فصل، شمس و طغرا به عنوان نخستین رمان فارسی در کنار رمان های *مظالم ترکان خاتون*، *دلیران تنگستانی* و *آشیانه عقاب* مورد بررسی قرار می گیرد. اگرچه سه رمان اخیر با فاصله زمانی نسبت به *شمس و طغرا* به رشته تحریر درآمده است، ولی از آنجا که هنوز تحولی

اساسی در ساختار این گونه داستان‌ها ایجاد نشده، به بررسی آنها در کنار اثر نخست پرداخته شده است.

در فصل ششم، جایگاه ادبیات داستانی در میان اعراب مورد بحث قرار می‌گیرد و برجسته‌ترین رمان نویسان معاصر عرب معرفی می‌گردند. در میان این نویسندگان، توجه خاصی به جرجی زیدان، پدر رمان تاریخی عرب، شده و چهار اثر وی با نام‌های: *عذراء قریش*، *فاجعه کربلا*، *ابومسلم خراسانی* و *عباسه* و جعفر برمکی از لحاظ ساختاری بررسی گردیده است. فصل هفتم شامل تطبیق رمان‌های *زیدان* و رمان‌های فارسی می‌شود. نتیجه و سرانجام کار نیز در این فصل مشخص می‌گردد.

ویرایش این رساله با توجه به کتاب نگارش و ویرایش نوشته احمد سمیعی گیلانی و با استفاده از کتاب *دستور خط فارسی* مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی انجام گرفته است. ارجاعات متن و کتابنامه نیز بر اساس کتاب *آیین گزارش نویسی* تألیف عباس حرّی تنظیم گردیده است.

این پژوهش، پس از عنایت پروردگار، به مدد رهنمودهای استادان بزرگوار و گرانمهر، جناب آقای دکتر عبدالحسین فرزاد به عنوان استاد راهنما و جناب آقای دکتر ابوالقاسم رادفر به عنوان استاد مشاور به سرانجام رسیده است. بی شک، راهنمایی‌های خردمندان و عالمانه ایشان در دست یابی به اهداف پژوهش نقش بسزایی داشت.

اگرچه این اثر خالی از عیب نیست، اما امید است که این پژوهشگر تا حدی از عهده این مهم برآمده باشد و اثرش در نظر اهل فن مقبول افتد.

فصل اول:

درآمدی بر ادبیات تطبیقی

## نقد تطبیقی (comparative)

هر علمی برای کشف حقیقت از ابزارها و روش های خاصی بهره می گیرد. یکی از روش های معمول در تحقیقات علمی، روش تطبیق و مقایسه است. در این روش، به مقایسه دو یا چند چیز پرداخته می شود و شباهت ها و تفاوت ها و همچنین تأثیر و تأثر هر یک بر دیگری مورد مطالعه قرار می گیرد. این شیوه علمی در حوزه علوم انسانی نیز کاربرد دارد و از آن با عنوان *نقد تطبیقی* یاد می شود.

«در نقد تطبیقی، آثار ادبی زبان ها و ملیت های مختلف با هم مقایسه می شود.»<sup>۱</sup> به دیگر کلام، نقد تطبیقی نقدی است که در آن، دو یا چند اثر هم پای یکدیگر مورد توجه و بررسی قرار می گیرند و شباهت ها و تفاوت های میان آنها کشف می گردد. همچنین از میزان تأثیرگذاری یا تأثیرپذیری این آثار و نویسندگان آنها سخن به میان می آید.

از آنجا که نقد تطبیقی شاخه ای از علوم انسانی است، به ناچار مانند دیگر علوم از قواعد و اصولی پیروی می کند. پژوهشگران این حوزه به کمک همین قواعد و اصول می توانند به دور از سلیقه های شخصی درباره آثار، قضاوتی عادلانه داشته باشند و از «عصیانی به نام ذوق فردی»<sup>۲</sup> در امان بمانند.

این نقد، تمام مقوله های ادبی مانند تاریخ ادبیات، انواع ادبی و مکاتب ادبی را برای دست یابی به اهداف خود به کار می گیرد. بنابراین، آگاهی نسبی پژوهشگر از این مقولات ضروری به نظر می رسد.

افزون بر این، نقد تطبیقی همه عناصر ادبی از محتوا و ساختار و قالب گرفته تا اندیشه و احساس و جهان بینی و جریان های فکری خالق اثر را مورد توجه قرار می دهد تا از خلال این توجه بتواند به هدف خود که همانا کشف رابطه بین آثار است، دست یابد. مضامین مشترک آثار نیز از دید این نقد پوشیده نمی ماند.

اهمیت نقد تطبیقی در آن است که میزان رابطه و تعامل زبان ها، اصالت آثار ملی و خط سیر ادبیات جهانی را مشخص می کند.<sup>۳</sup>

نقد تطبیقی خود به وجود آورنده شاخه ای از ادبیات به نام ادبیات تطبیقی است. در اینجا مبحث ادبیات تطبیقی را می گشاییم و به تعریف، اهمیت، عوامل پیدایش، تاریخچه و قلمرو آن اشاره ای خواهیم داشت.

### ادبیات تطبیقی (*comparative literature*)

ادبیات تطبیقی یا (*comparative literature*) همان است که در زبان عربی *الادب المقارن* خوانده می شود و در زبان فرانسه (*litterature compare*). همچنین اصطلاح آلمانی آن (*vergleichend literature geschichte*) است که جنبه تاریخی این شیوه تحقیق را نیز در بر می گیرد و از اصطلاح انگلیسی و فرانسوی آن جامع تر است.

تا سال ۱۸۲۸ م. که ویلمن،<sup>۴</sup> استاد دانشگاه سوربن، اصطلاح ادبیات تطبیقی را پیشنهاد کند، برای این مفهوم عناوینی چون «تاریخ ادبیات تطبیقی»، «تاریخ تطبیقی ادبیات» و «روابط ادبی» به کار می رفت.

## تعریف ادبیات تطبیقی

ادبیات تطبیقی، حوزه ای از مطالعات ادبی است که انعکاس ادبیات یک ملت را در ادبیات دیگر کشورها بررسی می کند. در واقع، ادبیات تطبیقی سنجش و مقایسه ادبیات دو سرزمین است به منظور یافتن پیوندهای ادبی و روابط تاریخی آن دو سرزمین در گذشته و حال.

دکتر عبدالحسین زرین کوب در تعریف ادبیات تطبیقی می نویسد:

«ادبیات تطبیقی، در واقع عبارت است از تحقیق در باب روابط و مناسبات بین ادبیات ملل و اقوام مختلف و پژوهنده ای که به تحقیق در این رشته اشتغال دارد، مثل آن است که در سرحد قلمرو قومی به کمین می نشیند تا تمام مبادلات و معادلات فکری و ادبی را که از آن سرحد بین آن قوم و اقوام دور و نزدیک دیگر روی می دهد، تحت نظارت و مراقبت خویش بگیرد.»<sup>۵</sup>

در ادبیات تطبیقی، آنچه مورد توجه قرار می گیرد، نفس اثر ادبی نیست، بلکه تصویر و انعکاسی است که آثار ادبی یک ملت بر دیگر ملت ها دارد. به عبارت دیگر، آنچه در این حیطه می گنجد، تأثیر متقابل آثار است که خود به تبادل مضامین، اندیشه ها و احساسات میان دو ادبیات منجر می شود و در تاریخ روابط ادبی بین الملل مؤثر می افتد. بنابراین، در ادبیات تطبیقی، روابط فکری و تاریخی بین المللی و تأثیرات متقابل میان ملت ها بررسی می گردد. همچنین کشف این نکته که یک ادبیات چه چیزهایی را از ادبیات دیگر ملل وام گرفته و چه چیزهایی به آن بخشیده است، جزء این مطالعات قرار می گیرد.

این نقل و انتقالات می تواند در همه زمینه ها از جمله واژه، محتوا، ساختار، موضوع، عواطف و دیدگاه نویسنده صورت پذیرد.<sup>۶</sup>

مبحث دیگری که در ادبیات تطبیقی مطرح است، یافتن سرمنشأ و منابع مشترک آثار مورد نظر است. علاوه بر این، ادبیات تطبیقی با تحقیقات گسترده، آثار اصیل و تقلیدی را از یکدیگر متمایز می سازد تا معلوم شود کدام یک از آثار به تقلید از آثار دیگر پدید آمده اند. تأثیر معکوس (*Influence a rebours*) نیز از جمله بحث هایی است که در ادبیات تطبیقی مطرح می شود. تأثیر معکوس، واکنشی است که شاعر یا نویسنده ای در آثار خود در برابر اندیشه های شاعر یا نویسنده ای با ملیتی متفاوت از خود نشان می دهد. عبدالسلام مادر مرده از مجموعه *لولی سرمست* اثر رسول پرویزی، نمونه ای است که در آن نویسنده با تأثیر از داستان *لیلی* و مجنون در ادبیات عرب، تصویری دیگرگون از این داستان می آفریند که در آن مجنون به عنوان شخصیتی منفی معرفی می گردد.<sup>۷</sup>

### اهداف ادبیات تطبیقی

ذهن جست و جوگر بشر همواره در پی یافتن چیزهای جدید و کسب تجارب تازه است. ادبیات تطبیقی این امکان را فراهم می آورد که انسان با صرف کم ترین هزینه و بدون هیچ زحمت و رنجی با فرهنگ و تمدن کشورهای دیگر آشنا شود و از طریق مقایسه ادبیات بومی سرزمین خود با ادبیات دیگر ملت ها هویت ملی خود را بازیابد. مهم ترین فایده ای که از مطالعات تطبیقی حاصل می شود،

کشف روابط فرهنگی بین ملل جهان است. همچنین آشنایی با شیوه زندگی مردم کشورهای دیگر و درک صحیح از تاریخ و تمدن آنها باعث کاهش تعصبات قومی می‌گردد. زیبایی زندگی در این است که هر ملتی فرهنگ خود را بخشی از فرهنگ عظیم جهانی بداند و بتواند با سایر ملل تبادلات فرهنگی داشته باشد، نه اینکه به دلیل عدم شناخت، به تحسین کورکورانه تمدن خود بپردازد و آن را فرمانروای بی‌چون و چرای جهان بداند؛ چراکه اگر ارتباط فرهنگی میان جوامع مختلف وجود نداشت، قطعاً امروز این تمدن بزرگ جهانی شکل نگرفته بود و هر خرده فرهنگ، هنوز در کوچه پس کوچه های گمنامی قدم می‌زد. به علاوه، عبرت گرفتن از وقایع تاریخی و شناخت آثار ادبی و هنری سرزمین های دیگر می‌تواند موجب استحکام بنیان های ملی و مذهبی گردد؛ چراکه به قول برخی از مورخان از جمله آرنولد توین بی،<sup>۸</sup> صاحب کتاب تاریخ تمدن، تاریخ تکرار مکررات است. اگر نظر درستی به تاریخ بیندازیم، خواهیم دید که از ابتدای زندگی بشر حوادثی به طور پیوسته تکرار شده اند و این تکرار تا انتهای جهان نیز ادامه می‌یابد. تولد و مرگ، رقابت های عاشقانه، عشق های نافرجام، کشف حقایق تازه، نبرد نور و ظلمت یا حق و باطل، به قدرت رسیدن یک گروه و نابودی گروه دیگر و مواردی از این قبیل، موضوع اصلی زندگی انسان را تشکیل می‌دهد. از این رو، آشنایی با این تجارب تاریخی می‌تواند انسان را در پیمودن مسیر دشوار زندگی یاری نماید و از انجام خطاهایی که گذشتگان مرتکب شده اند، باز دارد.

در ادامه باید افزود که ادبیات تطبیقی در شناخت علل و اسباب تحولات ادبی به پژوهشگران کمک می کند و راه شناسایی ادبیات اصیل و تقلیدی را به آنها نشان می دهد. گذشته از این، نباید لذت ناشی از آشنایی با فرهنگ ها و جریان های فکری جدید را نادیده گرفت.

هدف دیگری که پژوهش های تطبیقی دنبال می کنند، «بهره گیری از ادبیات بیگانه در جهت پر بار کردن و غنی تر ساختن ادبیات ملی است.»<sup>۹</sup> ایجاد رقابت بین اقوام گوناگون برای شناساندن ادبیات سرزمین خود ارتقای سطح ادبیات ملی و یافتن منابع مشترک آثار نیز از دیگر اهداف ادبیات تطبیقی محسوب می شود.

اما نتیجه نهایی و اساسی ادبیات تطبیقی که به عنوان یک آرمان بزرگ انسانی تلقی می شود، همان برقراری صلح و دوستی میان کشورهای جهان و ایجاد یک بی مرزی در ادبیات می باشد.

### اهمیت ادبیات تطبیقی

با توسعه صنعت و برقراری روابط سیاسی و اقتصادی بین جوامع مختلف، تبادلات فرهنگی نیز صورت می پذیرد. محصولات هنری، فرهنگی و ادبی هر کشور از راه های مختلف به کشورهای دیگر راه می یابد و در فرهنگ کشور مقصد مؤثر می افتد. رواج اندیشه هایی چون جهانی شدن (*Globalization*)، فن آوری اطلاعات (*Information technology*) و همچنین گفتگوی تمدن ها (*Dialogue among civilization*) حاکی از آن است که تمدن بشری در مسیر

تبدیل شدن به یک تمدن یکپارچه و جهانی گام برمی دارد. در این میان، ادبیات مقوله ای است که می تواند بیش از سایر مقولات در استحکام این روابط تأثیرگذار باشد و از طریق ادبیات تطبیقی به این نیاز پاسخ بگوید؛ چراکه ادبیات تطبیقی نه تنها سرچشمه جریان های فکری و هنری ادبیات ملی را شناسایی می کند، بلکه در سطحی گسترده تر در صدد یافتن منابع مشترک و آبخورهای فکری بین المللی است. از این رو، اهمیت ادبیات تطبیقی در آن است که می تواند زبان و ادبیات یک ملت را از ورطه خمول و گمنامی رها و آن را در رهگذر پیوند با ادب دیگر ملل پویا و پیشرو سازد.

### قلمرو ادبیات تطبیقی

شبهات های میان دو اثر هنری، ما را بر آن می دارد که به مقایسه و تطبیق آنها دست بزنیم. این مقایسه می تواند از لحاظ موضوع باشد، مثل مقایسه دکتر فاوست در ادبیات آلمان و انگلستان یا از حیث اندیشه و احساس صورت بگیرد، مانند تأثیر حافظ بر گوته یا تأثیرپذیری منوچهری دامغانی از شاعران عرب.

پژوهش در ادبیات تطبیقی، معمولاً در حوزه های زیر صورت می گیرد:

۱. بررسی گونه های ادبی، مثل حماسه و نمایشنامه و سیر تحول تاریخی

این گونه ها؛

۲. منابع مشترک نویسندگان؛

۳. آن دسته از جریان های فکری که سبب خلق آثار مشابه شده است؛

۴. مکتب های هنری که از یک زبان وارد زبان دیگر شده اند؛

۵. تأثیر و تأثر ادبیات دو ملت بر یکدیگر؛

۶. اسطوره ها و داستان های ملی یک زبان که به زبان های دیگر راه یافته

است، مانند داستان *لیلی* و *مجنون* که از زبان عربی وارد زبان فارسی شده است.

۷. بررسی دو ادبیات که یکی در دامن دیگری رشد کرده، مثل ادبیات لاتین

که تحت تأثیر ادبیات یونانی تکامل یافته است؛

۸. بازتاب حوادث تاریخی در ادب ملل مختلف، مانند نبرد سالامین (جنگ

ایران و یونان در عهد خشایارشا) که منبع الهام شاعران اروپایی گردید؛

۹. بازتاب پدیده های اجتماعی، مثل اعیاد و سوگ ها در جوامع مختلف؛

۱۰. بررسی آثار و افکار یک هنرمند که آثارش از مرزهای ادبیات قومی

فراتر رفته است، همچون شکسپیر<sup>۱۰</sup> و نقش او در ظهور رمانتیسیسم یا گوته و تأثیر او در ادبیات اروپای غربی؛

۱۱. چگونگی شکل گیری انواع ادبی در یک کشور تحت تأثیر ادبیات

کشورهای دیگر، مثل پیدایش رمان و داستان کوتاه در ایران در پی آشنایی با ادبیات مغرب زمین.

در اینجا یادآوری این نکته ضروری است که ترجمه یک اثر خارجی بدون

دخل و تصرف در محتوای آن، جزء ادبیات تطبیقی به شمار نمی آید؛ زیرا باید

حتماً اقتباسی صورت گرفته باشد تا در این حوزه بگنجد. همچنین بحث از

تأثیر مرحله پیشین یک زبان در مرحله بعدی آن نیز بحث تطبیقی نیست. مثلاً تأثیر ادبیات مانوی یا پهلوی در فارسی دری را نمی توان در قالب ادبیات تطبیقی بررسی نمود.<sup>۱۱</sup>

### دو گرایش اصلی در ادبیات تطبیقی

زادگاه ادبیات تطبیقی، کشور فرانسه و دانشگاه سوربن است، اما این دانش رفته رفته در طی یک قرن به رشد و کمال رسید و به کشورهای دیگر نفوذ کرد. البته در طی این مسیر، برخی از اصول آن تغییر کرد و در نهایت، به پیدایش دو گرایش اصلی انجامید. گرایش نخست که به مکتب فرانسه مشهور است، از همان اصولی پیروی می کند که پایه گذاران و پدیدآورندگان ادبیات تطبیقی آن را وضع کردند. در این گرایش، دامنه ادبیات تطبیقی تنها پژوهش های ادبی را دربرمی گیرد و به دیگر حوزه های هنری کشیده نمی شود. علاوه بر این، شرط اساسی این گرایش، برخورد تاریخی میان دو فرهنگ و ایجاد رابطه مؤثر میان دو اثر ادبی است. در گرایش دیگر که بیشتر در امریکا رواج دارد، دامنه ادبیات تطبیقی آن قدر وسعت می یابد که پژوهش های تطبیقی میان سایر هنرها و معارف را نیز دربرمی گیرد.<sup>۱۲</sup>

## شرایط ادبیات تطبیقی

شرایطی که برای ادبیات تطبیقی در نظر گرفته می شود، بیشتر مبتنی بر قوانین مکتب فرانسه است. در این مکتب، رعایت مبانی ذیل ضروری است:

۱. زبان دو اثر مورد بررسی، باید متفاوت باشد؛ زیرا تطبیق و مقایسه دو اثری که در یک زبان و تحت تأثیر یکدیگر نوشته شده اند، تنها تفاوت های فردی یا مشترکات روحی نویسندگان آنها را آشکار می کند و ویژگی های کلی آن ادبیات و نتایج اقتباس ادبی ملت ها را مشخص نمی نماید، اما با قبول این شرط، تفاوت نگرش ها و شیوه زندگی دو نویسنده با قومیت های مختلف آشکار می گردد. به عنوان مثال، نمی توان بین ادبیات انگلیسی و امریکایی مطالعه تطبیقی انجام داد؛ زیرا زبان این دو کشور یکسان تلقی می شود. هرچند این شرط در بین محققان امریکایی پذیرفته نیست.

۲. باید وجود ارتباط تاریخی میان دو ادبیات مورد مقایسه به اثبات برسد. در غیر این صورت، مطالعه تطبیقی معنایی ندارد. البته این بدان معنا نیست که بایست میان ادیبان و هنرمندان دو کشور رابطه شخصی وجود داشته باشد، بلکه همین قدر که ثابت شود اندیشه ای از محیطی به محیط دیگر راه یافته است و هنرمندان آن سرزمین از آن تأثیر پذیرفته اند، کفایت می کند.

**فصل دوم:**

**پیدایش ادبیات تطبیقی**